

جایگاه حقوقی ضابطین دادگستری انگلیس در حفظ حقوق شهروندی

با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۸)

مهناز حبیبی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی - محقق و پژوهشگر

چکیده

ضابطین دادگستری در بسیاری از کشورها با توجه به وظایفی که بر عهده آنها نهاده شده است اثرگذاری مهمی در حفظ حقوق شهروندی ایفاء می نمایند. منظور از ضابط کسی است که موظف به کشف و پیدا کردن آثار جرم، جمع آوری آنها، شناسایی متهم، انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار او و هم چنین انجام تحقیقات مقدماتی است. یکی از مهمترین حوزه هایی که ضابطین دادگستری می توانند در آن ایفاء نقش نمایند، حوزه حقوق شهروندی است. بنابراین با توجه به نقش مهمی که ضابطین دادگستری ایفاء می نمایند در این مقاله تلاش شده است تا جایگاه حقوقی ضابطین دادگستری انگلیس در حفظ حقوق شهروندی با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد. یافته های این مقاله نشان می دهد که در هر دو کشور ضابطین نقش بسیار مهمی در رعایت حقوق شهروندی دارند و قوانین و مقررات دو کشور حوز اختیارات و وظایف آنان را در قبال شهروندان و متهمین به وضوح مشخص نموده اند. همچنین در قوانین و مقررات دو کشور مقررات نظارتی و کنترلی بر فعالیت ضابطین نیز وضع و تدوین شده است، اما تفاوت دو کشور در بعد نظارت بر ضابطین دادگستری در این است که در کشور انگلیس نهادهای مردمی نیز نقش دارند، این در حالی است که ایران فاقد نهاد نظارتی مردمی بر عملکرد ضابطین دادگستری می باشد.

واژگان کلیدی: ضابطین دادگستری، حقوق شهروندی، ایران، انگلستان، حقوق بشر

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین نهادها در رعایت و حفظ حقوق شهروندی دستگاه قضایی، نهادهای تابعه و مهمتر از آن در سطوح پایین تر ضابطین دادگستری و نهادهای سطوح پایینی سلسله مراتب قضایی است. ضابطین دادگستری و نهادهایی که در این چارچوب عمل می کنند نقش مهمی در رعایت، حفاظت و حراست از حقوق شهروندی ایفا می نمایند. در قوانینی ایران نهادهای مختلفی به عنوان ضابطین دستگاه قضایی و دادگستری مشخص شده و حوزه اختیارات و صلاحیت های آنان نیز در برخی قوانین مشخص شده است. وجود چنین نهادهایی در کشورهای مختلف وجود دارد، اما هر کدام از این نهادها دارای وظایف و اختیارات مشخص و معینی هستند. با توجه به این موضوع یعنی شکل گیری نهاد مختلف تحت عنوان ضابطین دادگستری با اختیارات مشخص شده در قوانین، بررسی نقش و جایگاه این نهادها در حوزه حقوق شهروندی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بررسی و مطالعه نقش و جایگاه ضابطین دادگستری و شناخت و آگاهی از وظایف، اختیارات و عملکرد آنان علی الخصوص عملکرد آن در حوزه رعایت حقوق شهروندی و همچنین شناخت و آگاهی از نواقص و ابهامات موجود پیرامون آن بسیار حائز اهمیت است. از سوی دیگر با توسعه حوزه اختیارات این نهاد در سال های گذشته و تقویت نقش آن در حوزه حقوق شهروندی، تحلیل و بررسی این نهاد با رویکردی تطبیقی با نهادهای مشابه در کشورهای دیگر بهتر می تواند در تبیین دقیق تر جایگاه و نقش این نهاد کمک نماید.

بخش اول: کلیات

پیش از پرداختن به مفهوم ضابط دادگستری لازم است تعریف لغوی ضابط ارائه شود. ضابط در لغت به معنای حفظ کننده، نگهدارنده، حاکم، قائد، قوی، نیرومند و مرد باهوش می باشد. همچنین به معنای محفوظ دارنده، کارگزار، رئیس انتظامات شهر، حاکم، مباشر و محصل مالیات نیز آمده است. کلمه ضابط از ریشه ضبط گرفته شده است که به معنای نگهدارنده بوده

که مصدر آن کلمه های ضبط یعنی حبس چیزی و ضابطه به معنای نگهداشتن و ملازم شده است (مرادی، ۱۳۹۷: ۶۴). بنابراین به طور کلی ضابط به کسی گفته می شود که در ضبط، نگهداری و حراست از موضوع، شیء، امور و یا چیزی برای مدت مشخص یا تا حصول نتیجه آن موضوع یا امر اقدام می کند با این حال این مفهوم به در تعریف ضابط عام کاربرد دارد و این تعریف موسع تر از تعریفی است که از ضابطین دادگستری ارائه شده است. با این حال در رابطه با تعریف رسمی و قانونی ضابطین دادگستری باید گفت که در قوانین و مقررات قضایی کشورهای مختلف با توجه به میزان و حدود اختیاراتی که دستگاه قضایی و نهادهای ذیربط به ضابطین دادگستری می دهند و با توجه به وظایف و تکالیفی که برای آنان ایجاد و وضع نموده اند، تعاریف متعدد و مختلفی ارائه شده است.

بند اول: مفهوم ضابط دادگستری در قوانین ایران

علی رغم اینکه از نظر حقوقی و در بین حقوقدانان تعاریف متعددی از ضابط دادگستری ارائه شده است و در رابطه با تعریف ضابط دادگستری اتفاق نظری وجود ندارد و همچنین به منظور مشخص شدن ضابطین دادگستری در جامعه و جلوگیری از سوء استفاده های برخی اشخاص و جلوگیری از تضییع حقوق افراد، در قوانین ایران تعریف مشخصی از ضابطین دادگستری ارائه شده است که در ادامه به ذکر آن خواهیم پرداخت. مطابق ماده ۲۸ آئین دادرسی کیفری، ضابط دادگستری چنین تعریف شده است: « ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند» (ماده ۲۸ آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران). در این تعریف چند نکته مهم قابل ذکر است. اول اینکه ضابطین دادگستری تحت نظارت مقام قضایی هستند و نهاد قضایی می تواند نظارت کامل بر آنان داشته باشد. دوم، ضابطین تحت تعلیم و آموزش نهاد قضایی هستند، بدین معنی که نهاد قضایی می بایست به ضابطین در راستای انجام وظایف و تکالیفی که در اختیار آنها نهاده شده است،

تعالیم و آموزش‌های لازم را انجام دهد. سوم، ضابطین در مرحله کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله جرم و همچنین جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی دارای اختیاراتی هستند که این اختیارات نامحدود نبوده و توسط قانون چارچوب و زوایای آن مشخص شده است.

بند دوم: انواع و مصادیق ضابط دادگستری در ایران

در رابطه با انواع و مصادیق ضابط دادگستری از منظر حقوقی و در عالم واقع اختلافات متعددی وجود دارد و با اینکه در قوانین مصادیق ضابطین دادگستری مشخص شده است اما در جامعه گاه‌ها شاهد دخالت‌ها و اقدامات مقامات و نهادها و افرادی هستیم که نمی‌تواند آنان را مصداق ضابط دادگستری نامید. با این حال در ماده ۲۹ نهادها و مقاماتی که به عنوان ضابطین دادگستری شناخته شده‌اند ذکر شده است: «ضابطان دادگستری عبارتند از: الف) ضابطان عام شامل: فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. ب) ضابطان خاص شامل: مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره) کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسوولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسوولیت نافی مسوولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست» (ماده ۲۹ آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران).

با توجه به آنکه سنگ بنای اولیه پرونده کیفری به طور معمول توسط ضابطان دادگستری نهاده می شود و نحوه عملکرد و اجرای وظایف ضابطین می تواند قضات را در مسیر اجرای عدالت قرار دهد و در صورت انجام امور خلاف قوانین و مقررات می تواند قضات را از مسیر عدالت منحرف می نماید، بنابراین تکالیف ضابطان دادگستری در فرایند دادرسی کیفری حائز اهمیت فراوانی بوده و بایستی مورد توجه و اهتمام ناظران باشد که البته این نقش مختص ضابطان عام نیست بلکه شامل ضابطین خاص نیز می شود، در عین حال با توجه به این که قسمت اعظم وظایف و اختیارات ضابطان بر عهده نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام می باشد جایگاه این سازمان نسبت به سایر ضابطان مهم تر و پر رنگ تر می باشد (پاهکیده، ۱۳۹۵: ۱). بنابراین در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران هم مفهوم ضابط دادگستری تعریف شده است و هم نهادها و مقاماتی که به عنوان ضابط دادگستری هستند به رسمیت شناخته شده است و معرفی شده اند. افراد یا مقامات دیگری که خارج از تعریف ارائه شده در قانون هستند مصداق و عنوان ضابط دادگستری را ندارند و هرگونه اقدام و رفتاری که منجر به تضییع حقوق افراد، ایجاد مزاحمت و یا اذیت افراد گردد، غیر قانونی بوده و مطابق قوانین و مقررات مربوطه با فرد خاطی برخورد خواهد شد.

بند سوم: مفهوم ضابط دادگستری در قوانین انگلیس

مصداق ضابطین دادگستری در انگلیس نه مطابق مصادیق کنونی آن، از سابقه و پیشینه بسیار طولانی برخوردار است. در گذشته در این کشور افرادی با عنوان افسران اجرای احکام که تحت نظر پادشاه و نهاد سلطنت قرار داشتند در این کشور در راستای اجرای احکام و قوانین قضایی و همچنین به عنوان حافظان حقوق افراد در صدد جلوگیری از جرم و کشف آن اقدام می کردند. با این حال با توسعه و رشد نهادهای قضایی تغییراتی در تعریف، مصادیق و وظایف و اختیارات افسران اجرای احکام به وجود آمد. با این حال در قوانین و مقررات جدید در انگلیس ضابطین دادگستری یا مأمورین اجرا با عنوان (Enforcement Agent) شناخته می شوند، این افراد در قوانین گذشته تحت عنوان (Bailiffs) شناخته می شدند. در قوانین و

مقررات این کشور ضابطین به کسانی گفته می شود که مسئول اجرای احکام دادگاه، احکام کنترلی یا احکام دستگیری هستند. این افراد معمولاً شامل افرادی هستند که در بخش دولتی و خصوصی استخدام شده‌اند (۲: ۲۰۱۴, ministry of justice). در انگلیس اغلب ضابطین دادگستری دارای یک مقام حقوقی هستند که درجه ای از اختیارات یا صلاحیت قضایی نیز به آنان داده می شود. ضابطان در انگلیس از انواع مختلفی برخوردارند و دفاتر و وظایف آنها بسیار متفاوت است. همانگونه که اشاره شد این اصطلاح برای اولین بار در انگلستان به طور کلی برای افسران پادشاه، مانند کلانترها، شهرداران و به ویژه افسر ارشد بکار برده می شد (۱: ۲۰۲۱, Encyclopædia Britannica). امروزه ضابط در قوانین انگلیس بیشتر به کسانی اطلاق می شود که در راستای اجرای احکام قضایی در حوزه های تعریف شده اقدام می کنند. در قوانین و مقررات انگلیس ضابطین دادگستری دارای مصادیق متعددی است که البته هر کدام از آنها دارای وظایف مشخص و معینی هستند. در ادامه به بررسی این مصادیق می پردازیم.

بند چهارم: وظایف و محدودیت های ضابطین دادگستری در انگلیس

ضابطین دادگستری در انگلیس در قانون ۱۹۹۶ این کشور دارای اختیارات محدودی بودند و هر کدام از آنها وظایف خاص و معینی را دارا بودند براساس قوانین این کشور ضابطین دادگستری و قضایی این کشور در سراسر انگلیس و ولز وجود داشتند و هر کدام وظایف خود را انجام می دادند. با این حال از سال ۲۰۰۷ به ضابطین این کشور اختیارات یکسان و تام را بدست آوردند و وظایف آنان هماهنگ با وظایف پلیس انگلیس شد (Reilly et al, ۲۰۱۰: ۴۵). ضابطان دادگستری یکی از عوامل اجرایی هستند که دادگاه محلی، ایالتی و فدرال به طور خاص به آن نیاز دارند زیرا آنها وظایف متعددی را برعهده دارند. هر ضابط دادگستری باید کلیه دعاوی خود را اجرا کند و کلیه دستورهای اجرایی (مگر در مواردی که در دادگاه در مورد خاصی دستور داده باشد) که به دست او می رسد را اجرا کند و وظایف خود را مطابق قوانین انجام دهد. یکی از مهمترین وظایف ضابطین ابلاغ دعاوی به متهمین در اسرع

وقت است (Bailiff Job Duties, ۲۰۲۱:۱). از جمله وظایف ضابطین در انگلیس انجام تدابیر مقدماتی و امور ابتدایی است که در بسیاری از کشورها جزء وظایف نهادهای قضایی محسوب می شود اما در این کشور این وظایف به ضابطین دادگستری داده شده است. برای مثال در این کشور اقداماتی نظیر حق تحقیق و تفحص و کشف جرائم که جز وظایف ضابطین دادگستری است. ضابطین به محض دریافت گزارش در خصوص وقوع یک جرم وظیفه بررسی موضوع، ارائه گزارش، اعمال اقدامات بررسی و جستجو به منظور کشف علل جرم و دستگیری مجرمین و متهمین را دارا هستند (Hindelangm, ۲۰۰۵: ۵۲). براساس قوانین و مقررات انگلیس ضابطین دادگستری می توانند بدون دستور قضایی هر شخصی را که درصدد ارتکاب جرم است و یا براساس مبانی متعارف مظنون در تلاش برای ارتکاب جرم است را دستگیر کنند (Hungerford, ۲۰۰۴: ۵-۶). در این حوزه ضابطین دادگستری در شرایطی زیر می توانند اقدام به دستگیری افراد کنند:

- به منظور جلوگیری از وقوع جرم مشهود

- جلوگیری از صدمه جسمی به خود یا هر شخص دیگری

- جلوگیری از ایجاد خسارت جانی یا خسارت به اموال

- جلوگیری از ارتکاب جرم علیه شهروندان

- اقداماتی که موجب جلوگیری از هرگونه تعقیب مجرم یا ناپدید شدن مجرم شود

- محافظت از کودک یا شخص آسیب پذیر دیگر در برابر مظنونان

با این حال این موضوع با دستگیری اشخاص متفاوت است. در این راستا ضابطین دادگستری در دستگیری افراد باید دارای دستور کتبی قضایی باشند. حکم دستگیری باید به صورت کتبی شامل مشخصات فردی که باید دستگیر شود و جزئیات جرمی که ادعا شده مرتکب شده اند

باشد. بنابراین در صورتی که افراد در حین ارتکاب جرم نیستند و یا شواهد دال بر ایجاد وقوع جرم نیست ضابطین صرفاً با حکم قضایی می توانند اقدام به دستگیری افراد نمایند (Trevelyan, ۲۰۲۱: ۱). یکی دیگر از وظایف ضابطین دادگستری در انگلیس تفهیم اتهام یا حق آگاهی و کسب اطلاع از علل و جهات دستگیری است. تفهیم اتهام به معنای اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد، است. چنین اعلام رسمی از جمله حقوق دفاعی متهم و وظایف ضابطین دادگستری انگلیس است تفهیم اتهام در تمام نظام های حقوقی، حق متهم و از معیارهای دادرسی منصفانه محسوب می شود. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۵ و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این حق تحت عنوان حق اطلاع یافتن بر موضوع اتهام از همان ابتدای دستگیری تصریح دارند. این مسأله در حقوق انگلستان نیز پیش بینی شده است. به این ترتیب که حتی زمانی که پلیس مظنونی را که در حال ارتکاب بزه بوده، بازداشت می کند، مکلف است او را از دلیل دستگیری یا در همان زمان یا در سریع ترین زمان ممکن مطلع کند، حتی اگر دلیل بازداشت مسلم باشد. با این حال ضابطین دادگستری در این کشور از محدودیت هایی برخوردارند و در زمان انجام وظیفه می بایست کلیه حقوقی که برای متهمین و مجرمین به رسمیت شناخته شده است را رعایت نمایند. به عنوان مثال در این کشور ضابطین باید در هنگام دستگیری متهمین دلیل دستگیری را توضیح دهند، متهمین می توانند با نزدیکان خود ارتباط برقرار کنند، حق انتخاب وکیل داشته باشند یا موضوع را با وکیل خود در میان بگذارند، متهمین می توانند به طور موقت با قید وثیقه آزاد شوند و اینکه متهمین حق توضیح و دفاع از خود در برابر اتهامات وارد شده از سوی ضابطین را دارند (Lennox, ۲۰۲۰: ۱).

بخش دوم: بررسی و شناخت جایگاه حقوقی ضابطین دادگستری انگلیس و رعایت حقوق شهروندی

ضابطین دادگستری در کشور انگلیس دارای انواع مختلفی هستند. این ضابطین که هر کدام از آنها در حوزه خاصی فعالیت دارند، به عنوان متولیان نهادهای قضایی و اجرایی عمل می کنند که حدود اختیارات آنها نیز مشخص شده است. ضابطین دادگستری در این کشور با توجه به اختیاراتی که به آنها داده شده است، در زمینه احقاق حقوق شهروندی دارای نقشی اساسی و تعیین کننده هستند. از سوی دیگر در این کشور منشور یا قانونی با عنوان حقوق شهروندی وجود ندارد و حقوق شهروندی موضوعی عام و گسترده است که ریشه در همه قوانین و مقررات داخلی این کشور اعم از قانون اساسی تا قوانین عادی، کیفری، جزایی، مدنی و ... و همچنین قوانین و مقررات بین المللی و حقوق بشری دارد. در انگلیس قوانینی نظیر معاهدات و کنوانسیون های بین المللی و قوانین داخلی این کشور نظیر قانون پیگرد قانونی جرایم، قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴، قانون پلیس ۱۹۹۶، قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، قانون دسترسی به عدالت ۱۹۹۹، قانون جرایم سازمان یافته جدی و پلیس ۲۰۰۵، پلیس و قانون عدالت ۲۰۰۶، قانون کمک حقوقی، مجازات و مجازات مجرمان ۲۰۱۲، کنوانسیون اروپا حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ... مجموعاً تشکیل دهند حقوق شهروندی در این کشور است (Okocha, ۲۰۲۰: ۳۰). بنابراین به بررسی نقش ضابطین دادگستری در این کشور در حفظ حقوق شهروندی می پردازیم.

بند اول: حق اطلاع از دلایل دستگیری و بازداشت

پلیس نهاد اصلی در مرحله پیش دادرسی است و از مهمترین ضابطان در انگلیس محسوب می گردد. پلیس در انگلستان از اختیارات گسترده ای برخوردار است و مسلماً برای انجام صلح آمیز وظایف خود نیاز به چنین اختیارات گسترده ای دارد. براساس قوانین و مقررات انگلیس نهاد پلیس سه وظیفه اصلی دستگیری، بازداشت و بازجویی را بر عهده دارد. از جمله مهمترین حقوقی که در انگلیس برای متهمین قبل از دادرسی و در زمان دستگیری و بازداشت تعیین شده است، این است که بازداشت شده در اسرع وقت از دلایل دستگیری خود مطلع می شود. از این رو ضابطان دادگستری می بایست ضمن ارائه دلایل دستگیری به متهم، با زبانی که او

بفهمد بایستی دلایل دستگیری را به وی انتقال دهند. در صورت عدم توضیح دلایل دستگیری، دستگیری متهم غیرقانونی خواهد بود (Okocha, ۲۰۲۰: ۳۲-۶۵). در قوانین انگلیس و اتحادیه اروپا حق توضیح و تفسیر دلایل بازداشت و دستگیری برای دستگیرشدگان و مظنونان به رسمیت شناخته شده است و پلیس و ضابطین باید در هنگام دستگیری دلایل دستگیری را برای آنان ذکر نمایند و آنان را تفهیم نمایند.. این موضوع باید در سریع ترین زمان ممکن صورت گیرد و دلایل بازداشت یا دستگیری باید به زبانی ساده و روشن اعلام گردد و یا به صورت کتبی و یا شفاهی باشد (Jourová, ۲۰۲۰: ۱). همچنین ضابطین و پلیس باید گزارش دقیقی از موضوع و حادثه رخ داده در مورد متهم تنظیم و ارائه نمایند تا براساس آن مراجع در زمان رسیدگی به پرونده آن را مدنظر قرار دهند (Okocha, ۲۰۲۰: ۳۶).

بند دوم: حق متهم در دفاع از خود

ضابطین دادگستری در این کشور موظفند که در مرحله دستگیری، بازداشت و بازجویی متهمین حقوق آنان را رعایت کنند. از جمله مهمترین این حقوق که باید رعایت شود می توان به اصل دفاع از خود اشاره نمود (Okocha, ۲۰۲۰: ۴۸). ضابطین و پلیس در انگلیس باید با افراد بازداشت شده طوری رفتار نمایند که آنان بتوانند از حقوق خود دفاع نمایند. آنان باید دلایل دستگیری و بازداشت را به وی ابلاغ نمایند و اجازه دفاع از خود را به وی بدهند. این موضوع از جمله حقوقی است که برای شهروندان و افرادی که توسط پلیس و ضابطین دستگیر می شوند به رسمیت شناخته شده است.

بند سوم: حق کمک حقوقی انتخاب وکیل

از دیگر موضوعاتی که ضابطین در کشور انگلیس باید در زمان انجام وظایف خود به آن عمل کنند و حق سلب این حق و حقوق را از شهروندان، دستگیرشدگان یا بازداشت شدگان را ندارند، حق استفاده از مشاوره حقوقی، حق سکوت، حق انتخاب وکیل و ... است (Okocha, ۲۰۲۰: ۴۸-۵۰). همچنین در حقوق انگلیس ضابطین باید مظنونان را از حق مشاوره

حقوقی مطلع نمایند و در صورتی که مظنون یا متهم از این حق صرف نظر کرد، می بایست ضابطین در گزارشات خود دلایل خودداری یا صرف نظر کردن متهم از این حق را توضیح دهند. در حقوق انگلیس همه بازداشت شدگان حق مشاوره حقوقی رایگان و مستقل از وکیل در هر زمان که بخواهند را دارند. پلیس و ضابطین هرگز نباید سعی کند فرد بازداشتی را از دریافت مشاوره حقوقی منصرف کند. بنابراین پس از آنکه فرد بازداشت کننده قصد خود را برای استفاده از این حق را اعلام کرد، افسر بازداشت باید بدون تأخیر به درخواست وی عمل کند. با این وجود، این اختیار برای پلیس وجود دارد که در صورتی که احساس کند ممکن است مانعی در تحقیقات مربوط به جرم ایجاد گردد، درخواست فرد بازداشت شده را به تعویق بیندازد، اما این امر باید توسط یک ناظر یا یک افسر دارای رتبه بالاتر مورد تأیید قرار گیرد (Solicitors: ۱، ۲۰۱۶). همچنین براساس قوانین مربوطه فرد دستگیر یا بازداشت شده می تواند تا زمان دریافت مشاوره حقوقی و یا تا زمان تماس با وکیل و بستگان و اطلاع از دلایل دستگیری و یا بازداشت شدن از حق سکوت استفاده نماید. این موضوع با توجه به اینکه ممکن است برخی از دستگیرشدگان و بازداشت شدگان از حقوق خود در این شرایط مطلع نباشند، ضابطین مکلفند حقوق آنان در این وضعیت را به آنان اعلام نمایند، بنابراین آنان تا زمانی که از چنین حقوقی مطلع نباشند یا مشاوره حقوقی نگرفته یا با بستگان یا وکیل خود ارتباط برقرار نکرده باشند، حق سکوت دارند. علاوه بر آن دستگیر یا بازداشت شدگان حق انتخاب وکیل یا اطلاع به وکیل شخصی خود مبنی بر دستگیر شدن یا بازداشت شدن را دارد و ضابطین و پلیس در این کشور نمی تواند آنان را از چنین حقوقی محروم نماید.

بند چهارم: حق ارجاع سریع

یکی دیگر از حقوقی که می بایست توسط ضابطین مورد توجه قرار گیرد، حق تعیین تکلیف و ارجاع سریع است. حق ارجاع سریع به عنوان یک عامل برای آزادی از بازداشت بی مورد و غیر ضروری شناخته می شود. در این رابطه همه افراد دستگیر شده حق دارند در کمترین بازه زمانی ممکن به دادگاه صالح قضایی معرفی شوند یا با قرار وثیقه آزاد شوند. متناوباً اگر با جمع

آوری شواهد مربوطه، تخلفی وجود نداشته باشد، وی باید بدون اتهام آزاد شود. مطابق ماده ۴۰ آئین دادرسی کیفری این کشور فرد نباید بیش از ۶ ساعت بازداشت شود، اگرچه این ممکن است این بازداشت تا ۹ ساعت دیگر تمدید شود. گاهی نیز ممکن است با بررسی بازداشت توسط افسر بازداشت، حداکثر تا ۳۶ ساعت افزایش می یابد. با این حال به هر دلیلی که این بازداشت تمدید شده باشد باید به صورت دقیق در گزارش بازداشت قید گردد (Okocha, ۲۰۲۰: ۷۹).

بند پنجم: رعایت اصل برائت

یکی دیگر از موضوعات و حقوق شهروندی که ضابطین و پلس در کشور انگلیس می بایست به طور جدی مورد توجه قرار دهد، فرض بی گناهی و برائت دستگیر یا بازداشت شده است. در قوانین این کشور ضابطین باید تا زمانی که ادله کافی و لازم را در اختیار نداشته باشند، فرض بی گناهی و برائت را به طور کامل رعایت کنند. بر این اساس متهمین و دستگیرشدگان تا زمانی که گناهکار بودن آنان اثبات نشود باید بی گناه فرض شوند و ضابطین می بایست در طول فرایند دستگیری تا دادرسی و محاکمه بی طرفی کامل اختیار کنند و از جانبداری و قرض ورزی پرهیز نمایند (Right to a fair trial, ۲۰۲۰: ۲). اصل برائت و فرض بی گناهی افراد دستگیر شده و متهم نه تنها در انگلیس بلکه در سراسر اروپا به رسمیت شناخته شده است.

بند ششم: حق رسیدگی و دادرسی عادلانه

یکی دیگر از مهمترین حقوق شهروندی و حقوق متهمان حق رسیدگی و دادرسی عادلانه است. متهمین و بازداشت شدگان حق دارند که از یک فرآیند رسیدگی و دادرسی عادلانه برخوردار باشند. به همین منظور ضابطین در انگلیس مطابق ماده ۶ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ که توسط کشور انگلیس پذیرفته شده است و در قوانین داخلی این کشور الزام آور است، موظفند در فرآیند دادرسی و بازجویی و در مراحل بالاتر در زمان محاکمه شرایط و ضوابط مربوط به عادلانه بودن فرآیند بازجویی، بازپرسی و محاکمه را رعایت کنند و این موضوع جزء حقوق

متهمین محسوب می گردد (Right to a fair trial, ۲۰۲۰:۱). همچنین در طول فرآیند بازرسی و محاکمه ضابطان و محاکم قضایی باید حق رسیدگی عادلانه متهمین را رعایت کنند. و مؤظفند در یک بازه زمانی معقول توسط دادگاه مستقل و بی طرفی که قانون تأسیس کرده است، رسیدگی عادلانه و علنی را انجام دهند. در این رابطه ضابطین می بایست تا زمان اثبات مجرمیت، اصل برائت وی را محترم شمارند، حقوق مشاوره ای وی را رعایت کنند، حق دفاع از خود، توضیحات در مورد خود، سوال از شاهد یا شاهدین و حتی دریافت تسهیلات مالی در صورت نیاز برای گرفتن حق مشاوره و وکیل را به صورت رایگان دریافت کنند (Right to a fair trial, ۲۰۲۰:۲).

بخش سوم: نظارت بر اعمال و اقدامات ضابطین دادگستری در انگلیس

یکی از نهادهایی که امروزه نقش بسیار گسترده ای در اعمال نظارت غیرقضایی بر عهده دارد، نهادی موسوم به «آمبودزن» است. این نهاد برای نخستین بار در سوئد سال ۱۸۰۹ ایجاد شد و در بند ۹۵ متنی که توسط کمیته تدوین قانون اساسی این کشور مصوب شد، این چنین بیان شده است که نماینده ای از سوی پارلمان انتخاب می شود تا بر رعایت قانون از طرف دیوانها و کارکنان اداری نظارت کرده و کسانی را که در انجام وظایف خود، اقدام به جانب داری می کنند و از سر لطف یا هر انگیزه دیگر، مرتکب عمل غیرقانونی می شوند یا در انجام وظایف خود عرفاً مسامحه می کنند را در برابر مراجع قضایی مورد تعقیب قرار دهد. با تدوین این مقررہ نهاد جدیدی تشکیل شد که آمبودزن نام گرفت. اگرچه این اصطلاح ریشه اسکاندیناوی دارد ولی در کشورهای دیگر از این واژه و در برخی دیگر از اصطلاحات دیگری برای آن استفاده می کنند. (مؤذن زادگان و غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۷-۱۹۶). آمبودزن به مفهوم نظارت و کنترل قانونی و دولتی بر عملکرد دستگاههای اجرایی کشور و حمایت از حقوق افراد در مقابل سوء جریانات اداری است. آمبودزن در کشورهای مختلف مأموریت های متفاوتی دارند، مانند، نظارت بر اجرای صحیح قوانین، حمایت از حقوق شهروندی، حمایت از حقوق بشر، رسیدگی به شکایات و اطلاعات علیه مقامات دولتی، تحریک دولت برای ارائه خدمات

بهتر، نظارت بر حسن جریان امور در ادارات و مبارزه با مفاسد اقتصادی، مالی و اداری (Ziegenfuss, ۲۰۱۱: ۱۰). در انگلیس آمبودزن به عنوان نهادی غیرقضایی و مردمی وظیفه نظارت بر حسن انجام ضابطین و بازرسی بر آنان را بر عهده دارد. در در راستای حقوق شهروندان و به درخواست افرادی که نسبت به رفتار و اعمال ضابطین شکایت دارند، وارد عمل می شود (Shaw, ۲۰۱۱: ۵). این نهاد پس از پایان اقدامات بازرسی، گزارشی را به سازمان یا شخص ارجاع دهنده (پارلمان یا شخص) ارائه می دهد (مؤذن زادگان و غلامی، ۱۳۹۵: ۲۱۶). آمبودزن در کارکرد تعقیبی خود نهادی فراتر از دادسرا نیست؛ بنابراین بعد از بازرسی و احراز تخلف و جرم، حق مؤاخذة و بازخواست متخلفان و مجرمان را ندارد، بلکه براساس قاعده تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق، باید متخلفان و مجرمان را به مراجع قضایی و انتظامی معرفی کند. آمبودزن این وظیفه را با صدور گزارشهایی انجام میدهد ضمانت اجرای تصمیمات نهاد آمبودزن ضمانت اجرای نرم است؛ یعنی این نهاد دارای قدرت لازم برای اجرائی کردن تصمیمات خود نیست، بلکه این نهاد نتیجه تصمیمات خود را در قالب گزارشهای ویژه یا سالانه به نهادهایی که قانوناً برای دریافت آنها ذیصلاح هستند ارسال می کند. به عنوان مثال یکی از پروندههای مطروحه در آمبودزن مدافع حقوق شهروندی در مربوط به مأمور پلیسی است که شهروندی را بنا به ظن خود مبنی بر به همراه داشتن مواد مخدر، تعقیب کرده بود، با شکایت شهروند از این مأمور، بازرس ویژه آمبودزن، با مکاتبه با دادستان شهرستان، خواستار معرفی مأمور مذکور به آمبودزن شد، دادستان با این استدلال که هیچ دلیل و مدرکی برای احضار مأمور پلیس وجود ندارد و از طرفی نیز دادستان تکلیفی به تبعیت از درخواستهای نهادی غیرقضایی را ندارد، درخواست بازرس آمبودزن را رد کرد، در نهایت با شکایت آمبودزن به دادگاه جنایی شهر ماری، این دادگاه حکم به محکومیت دادستان شهرستان برای عدم همکاری با نهاد آمبودزن داد (مؤذن زادگان و غلامی، ۱۳۹۵: ۲۱۶-۲۱۰). بنابراین این نهاد به عنوان نهادی غیرقضایی دارای وظایف نظارتی بر اعمال و رفتار ضابطین دارد و در صورت تخلف ضابطین و تخطی آنان از وظایف و اختیارات، به درخواست افراد و شهروندان اقدام به تحقیق و تفحص و بازرسی از موشوع را خواهد نمود و گزارش را به

مراجع ذیصلاح ارسال می نماید. این نهاد که در اکثریت کشورهای اروپایی فعال است نقش مهمی در این حوزه ایفا می نماید.

نتیجه گیری و جمع بندی بحث

ضابطین دادگستری با توجه به تعریفی که از آنان در قوانین و مقررات شده است و اختیارات و وظایفی که برای آنان ترسیم شده است، از جایگاه و نقشی تعیین کننده برخوردارند. بنابراین در قوانین و مقررات ایران و انگلیس ضابطین دادگستری دارای تعریف خاصی است و در ایران مصادیق عام و خاص ضابطین و در انگلیس نیز مصادیق آن مشخص شده است. ضابطین دادگستری در رعایت حقوق مردم، شهروندان و علی الخصوص متهمین و بازداشت شدگان نقشی اساسی دارند. علی الخصوص با توجه به اینکه ضابطین دادگستری به عنوان اولین افراد مداخله کننده در موقعیت ها و شرایط حساس و مواقع جرم و بزهکاری است، نقش و اهمیت آنان در رعایت حقوق شهروندی و جلوگیری از تضییع حقوق آنان بسیار مهم است. بررسی ها نشان می دهد که ضابطین دادگستری در بسیاری از کشورها وجود دارند و در قوانین و مقررات کشورها خصوصاً قوانین و مقررات قضایی و کیفری به تعریف ضابطین دادگستری پرداخته، حوزه وظایف و اختیارات آنان مشخص شده است و مهمتر از آن نهادها و مسئولین نظارت کننده و کنترل کننده بر رفتار و اعمال آنان نیز مشخص شده است. به عنوان مثال در قانون آوین دادرسی کیفری ایران در مواد متعدد این قانون به تعریف ضابطین، انواع ضابطین و شرح و طازف و اختیارات آنان پرداخته شده است. در قوانین و مقررات انگلیس نیز ضابطین و انواع آن تعریف شده است. و بر نقش و اهمیت آنان در حفظ حقوق شهروندی تأکید شده است. در قوانین و مقررات کشور انگلیس نیز ضابطین دادگستری از اختیارات و وضایفی برخوردارند و در طی مراحل کشف جرم و دادرسی ملزم به رعایت حقوق شهروندی و متهمین هستند. ضابطین دادگستری در انگلیس با توجه به اختیاراتی که به آنها داده شده است، در زمینه احقاق حقوق شهروندی دارای نقشی اساسی و تعیین کننده هستند. در قوانین انگلیس پلیس نهاد اصلی در مرحله پیش دادرسی است و از مهمترین ضابطان در انگلیس محسوب می گردد.

پلیس در انگلستان از اختیارات گسترده ای برخوردار است و مسلماً برای انجام صلح آمیز وظایف خود نیاز به چنین اختیارات گسترده ای دارد. براساس قوانین و مقررات انگلیس نهاد پلیس سه وظیفه اصلی دستگیری، بازداشت و بازجویی را بر عهده دارد. از جمله مهمترین حقوقی که در انگلیس برای متهمین قبل از دادرسی و در زمان دستگیری و بازداشت تعیین شده است، این است که بازداشت شده در اسرع وقت از دلایل دستگیری خود مطلع می شود. از این رو ضابطان دادگستری می بایست ضمن ارائه دلایل دستگیری به متهم، با زبانی که او بفهمد بایستی دلایل دستگیری را به وی انتقال دهند. در صورت عدم توضیح دلایل دستگیری، دستگیری متهم غیرقانونی خواهد بود ضابطین دادگستری انگلیس همچنین موظفند که در مرحله دستگیری، بازداشت و بازجویی متهمین حقوق آنان را رعایت کنند. ضابطین و پلیس در انگلیس باید با افراد بازداشت شده طوری رفتار نمایند که آنان بتوانند از حقوق خود دفاع نمایند. آنان باید دلایل دستگیری و بازداشت را به وی ابلاغ نمایند و اجازه دفاع از خود را به وی بدهند. این موضوع از جمله حقوقی است که برای شهروندان و افرادی که توسط پلیس و ضابطین دستگیر می شوند به رسمیت شناخته شده است. از دیگر موضوعاتی که ضابطین در کشور انگلیس باید در زمان انجام وظایف خود به آن عمل کنند و حق سلب این حق و حقوق را از شهروندان، دستگیرشدگان یا بازداشت شدگان را ندارند، حق استفاده از مشاوره حقوقی، حق سکوت، حق انتخاب وکیل و ... است. در حقوق انگلیس همه بازداشت شدگان حق مشاوره حقوقی رایگان و مستقل از وکیل در هر زمان که بخواهند را دارند. پلیس و ضابطین هرگز نباید سعی کند فرد بازداشتی را از دریافت مشاوره حقوقی منصرف کند.

منابع و مآخذ

انصاری، مصطفی، بختیاری، ابوالحسن (۱۳۹۴)، جایگاه ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۹۲)، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق.

آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲

باصری، سیروس (۱۳۹۸)، «نقش ضابطین دادگستری پلیس در تأمین حفظ حقوق شهروندی در فرایند آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه علمی دانش انتظامی فارس دوره ۶، شماره ۲۰، بهار.

بیرانوند، رضا و همکاران (۱۳۸۹)، «وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان (در مرحله تحقیقات مقدماتی)»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره سوم.

شامیاتی، هوشنگ، پروینی، علی (۱۳۹۳)، تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۵.

صادق منش، جعفر (۱۳۹۵)، ضابطان قضایی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

طاهری، محسن (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی»، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، دوره ۲.

فرمانی جامع، رضا (۱۳۹۷)، «بررسی نقش ضابطین در احقاق حقوق عمومی و شهروندی»، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۳۱، تیر.

قاسمی، صبا (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

موذن زادگان، حسنعلی، غلامی، نبی الله (۱۳۹۵)، سازوکارهای نظارت فعال غیرقضایی بر اقدامات ضابطان دادگستری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و انگلیس، مجله انتظام اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱).

Bailiff Job Duties(۲۰۲۱)," Duties of a Bailiff", .online-paralegal-degree, <https://www.online-paralegal-degree.org/lists/۵-duties-of-a-bailiff>.

Conway, orraine (۲۰۱۹),"Enforcement officers (formerly known as bailiffs)", Commons Library Briefing,House of commons library, RIEFING PAPER. <https://researchbriefings.files.parliament.uk/>.

Del Carmen, Rolando(۲۰۱۳), Criminal Procedure: Law and Practice ,۹ ed, Cengage Learning, ۲۰۱۳.

Encyclopædia Britannica(۲۰۲۱)," Encyclopædia Britannica/Bailiff", ۱۹۱۱ Encyclopædia Britannica/Bailiff - Wikisource, the free online library.

Equality and Human Rights Commission(۲۰۲۰)," Article ۶: Right to a fair trial ", The Human Rights Act, <https://www.equalityhumanrights.com/en>.

HindelangM. Victims of personal crime: An empirical foundation for a theory of personal victimization. Cambridge: Cambridge Publication; ۲۰۰۵.

Jourová,Věra(۲۰۲۰),"Your rights if accused or suspected ofcriminal offences in the EU", Commissioner for Justice, Consumers and Gender Equality,

https://ec.europa.eu/info/sites/default/files/factsheet_procedural_rights.pdf.

Lennox, Liz(۲۰۲۰)," Your Rights as a Defendant in Court ", about humanrights, <http://www.abouthumanrights.co.uk/your-rights-defendant-court.html>.

Lucy(۲۰۲۱)," Police powers of arrest ", .inbrief, <https://www.inbrief.co.uk/police/police-power-arrest-and-detain>.

MEC SECURITY(۲۰۱۹)," What is a High Court Enforcement, and What Will Happen? ", mecsecurity, <https://mecsecurity.com/news/high-court-enforcement/>.

Okocha, O. W. (۲۰۲۰). The detention rights of suspects and accused persons in England (and Wales) and Nigeria: rights development as a work in progress (Doctoral dissertation, Brunel University London).

